

## The Art of Decision Making 3

### Six Hats Thinking

همانطور که مستحضرید در دو جلسه گذشته مدل تصمیم گیری دی بانو را که با شش کلاه انجام میشود را مورد توجه قرار دادیم و در باره تفکر با چهار کلاه سفید، قرمز، مشکی و زرد صحبت کردیم. بهتر است یکبار دیگر در ابتدای این جلسه تفکر با این شش کلاه را بطور خلاصه مورد توجه قرار دهیم.

شش کلاه تصمیم گیری عبارتند از:



• کلاه سفید برای جستجوی داده ها و اطلاعات لازم



• کلاه قرمز برای در نظر گرفتن احساسات و حس ششم



• کلاه مشکی یادآوری چالش ها، خطرات و موانع



• کلاه زرد برای در نظر گرفتن مزایا و جنبه های مثبت



• کلاه سبز برای بهره مندی از خلاقیت و نوآوری



• کلاه آبی برای مدیریت و هماهنگی

در این جلسه دو کلاه آخر، یعنی کلاه سبز و آبی را مورد توجه قرار می دهیم.

## The Green Hat: Exploration, The Green Hat is the creative hat.



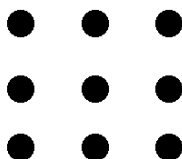
کلاه سبز را بر سر بگذار

سبز رنگ طبیعت و گیاهان است. تفکر با کلاه سبز یعنی بکار بردن **تفکر خلاق**. با این تفکر ایده هایی خلاقانه و بر خلاف عرف به ذهن میرسد. روشن بینی های تفکر با کلاه زرد ممکن است به ذهن خیلی ها برسد، ولی پیدا کردن راه حل ها و خلاقیت های منحصر به فرد با تفکر با کلاه سبز بدست می آید. در تفکر با کلاه سبز ما بدنبال ابداع یک روش نو هستیم. از تفکر به شیوه معمول و مرسوم بیرون می آییم.

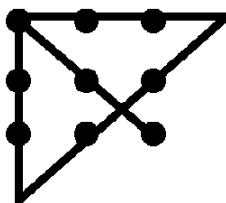
### Think out of the box

ایده ای که ممکن است احمقانه و غیر عملی به نظر برسد، در نهایت نتایج ارزشمندی را با خود به ارمغان بیاورد.

با خود فکر کنید چگونه میتوانید این ۹ نقطه را با رسم چهار خط صاف به هم وصل کنید.



انجام این کار یعنی بوسیله چهار خط صاف نمیتوان این نقاط را به هم وصل کرد مگر اینکه ما به خارج شدن از باکس هم فکر کنیم. این یعنی تفکر با کلاه سبز.



خلاقیت نیاز به ریسک پذیری، میل به اکتشاف و انگیزش دارد. یکی از دلایلی که سبب میشود خلاقیت در افراد بطور معمول دیده نشود این است که مغز الگو ساز است و معمولاً هر چیز که خارج از پترن و الگوی آن قرار گیرد را کنار میزند و یا بدور می اندازد. درست مثل زمانی که میخواهید میوه بخرید، میوه های تازه تر را جدا میکنید ذهن هم به همین گونه، گزینشی عمل میکند و ایده هایی که با روال معمول سازگار نیست را کنار میزند. اینگونه است که گاهی افکار خلاقانه هم کنار گذاشته میشوند.

مزیت تفکر با کلاه سبز این است که تعداد گزینه های موجود را افزایش میدهد و این سبب می شود کیفیت تصمیم گیری بالا برود. البته میتوان بعد از اینکه با کلاه سبز فکر کردیم دوباره یک دور تفکر با دیگر کلاه ها را انجام دهیم. تفکر با کلاه زرد مزیت ها و منافع پیشنهاد جدید را نشان خواهد داد و تفکر با کلاه سیاه خطرات و چالش ها را نمایان میکند.

در تفکر با کلاه سبز ممکن است گاهی عمدا پیشنهادی احمقانه ارائه کنیم تا شاید از دل آن راه حلی بیرون آید. مثلا وقتی ترامپ گفت به بیماران کرونا بلیچ تزریق شود. البته همه به این پیشنهاد احمقانه خندیدند و کسی provoke نشد تا راه حل بدیعی از آن بدست آید.

زمانی که شخصی ایده ای را به شکل آزمایشی مطرح میکند تا ببینیم آیا کار میکند یا خیر کلاه سبز بر سر گذاشته است .

وقتی کلاه سبز را بر سر میگذارید ایده های نو و بکر به ذهن شما می آید. شما با نیمکره راست مغزتان فکر میکنید و پیشنهادات جدید و راه حل های نو به ذهنتان میرسد. برای کلاه سبز هم مانند کلاه قرمز نیاز به دلایل منطقی نداریم. اساسا تفکر منطقی در نیمکره چپ مغز انجام میشود.

در این نوع از تفکر آزادی عمل دارید تا فکر خود را در هر مسیری قرار دهید. این کلاه برای تفکر خلاق است. ما نیازمند ایده هایی جدید هستیم فراتر از آنچه تا بحال مطرح شده است.

شما با کلاه سبز این پرسش ها را مطرح میکنید:  
پیشنهاد شما برای حل این مشکل چیست؟  
چه راه حلی را پیشنهاد میکنید؟  
چه راهکار دیگری وجود دارد؟

با این کلاه ما طرح هایی را به شکل آزمایشی مطرح میکنیم ما از موفقیت آمیز بودن آنها اطمینان نداریم  
با این کلاه شما عمدا یاد میگیرید که به روش های متعارف فکر نکنید تا ایده های جدیدی به ذهنتان برسد

میدانستم پیشنهاد احمقانه است ولی مطرح کردم تا آنها را تحریک کنم تا به فکر چاره باشند  
گاهی با این کلاه شما راه حلی را ارائه میکنید که بر خلاف عرف است ولی با این وجود کار میکند و نتیجه مطلوبی به بار می آورد. مثل قاضی که حکم داد نوزادی را دو نیم کنند و به هر یک از دو خانمی که ادعای مادری او را داشتند بدهند.

## The Blue Hat: Thinking about thinking, control of the thinking process. The Blue Hat is for the management and organization of thinking.



کلاه آبی را بر سر بگذار

آبی رنگ آسمان است. یعنی از بالا فرایند تصمیم گیری را زیر نظر گرفتن. وقتی کلاه آبی را بر سر میگذاریم نقش هماهنگ کننده **facilitator** را بر عهده میگیریم. کسی که تسهیل کننده امور است. به سادگی نمیتوان نتایج بدست آمده از اقسام تفکر با کلاههای مختلف را یکجا گرد آورد. گاهی اطلاعات بدست آمده با تفکر کلاه سفید با هشدارهای تفکر با کلاه مشکی با خوشبینی های تفکر با کلاه زرد و حسی که به موضوع داریم در نتیجه تفکر با کلاه قرمز در یکجا جمع نمیشوند.

تفکر با کلاه آبی برای هماهنگی بین ایده های بدست آمده است. در تفکر با کلاه آبی ابتدا مشخص می کنیم که دقیقا چه تصمیمی قرار است اتخاذ شود. در تفکر نقادانه همواره میگوییم طرح پرسش بطور صحیح از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

اینجا جایی است که باید بطور دقیق سوال کنیم که چه هدفی را دنبال میکنیم؟

بدنبال پاسخ به کدام پرسش هستیم؟

چه مسئله ای را قرار است حل کنیم؟

چه عواملی کاملا به موضوع مرتبط بوده و باید در نظر گرفته شوند؟

با کلاه آبی میگوییم: خب حالا که نقاط قوت این طرح را بررسی کردیم وقت آن است که نقاط ضعف آنرا بررسی کنیم. کلاه آبی به ما میگوید نوبت استفاده از کدام کلاه است.

کلاه آبی مدیریت کار را در دست دارد. وقتی مثل یک مربی فوتبال که عملکرد بازیکنانش را زیر نظر دارد شما هم فرایند تصمیم گیری را زیر نظر دارید. با کلاه آبی تشخیص میدهید اکنون موقع استفاده از کدام کلاه است.

با کلاه آبی تصمیم گرفتم بهتر است ابتدا اطلاعات لازم را جمع آوری کنم و سپس به مشکلات و موانع فکر کنم.

با این کلاه شما به فرایند فکر کردن، فکر میکنید.

الآن در چه مرحله ای از تصمیم گیری هستیم؟

قدم بعدی در فرایند تصمیم‌گیری چه باید باشد؟

با این کلاه شما مسیر فکرکردن را تعیین میکنید و تصمیم میگیرید فرایند فکر کردن چگونه پیش رود. استفاده از این روش فکر کردن، شبیه یک بازی است و میتواند سرگرم‌کننده هم باشد. به کسی که فقط سختی‌ها و موانع را میبیند بگوییم بیا حالا با کلاه زرد به موضوع فکر کنیم. به کسی که با اطلاعات ناقص در باره چیزی نظر میدهد بگوییم بیا با کلاه سفید اطلاعات بیشتری را جمع‌آوری کنیم.